

سوالات تشریحی طلایی

۱- ارکان سجع را در متن زیر پیدا کنید و نوع آن را بنویسید.

هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش اشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت و نه‌اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند..... .

۲- در ابیات زیر ثابت کنید که چرا ارزش موسیقی ابیات بیشتر شده است.

* ای ساریان آهسته ران کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود

محمل بدار ای ساریان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان ، گویی روانم می‌رود

* زان خشم دروغینش، زان شیوه شیرینش عالم شکرستان شد، تا باد چنین بادا

* بستند راه مهلت او از چهار سو تنهال نه راه مهلت او، راه چاره هم

* ملکی که پریشان شد، از شومی شیطان شد باز آن سلیمان شد، تا باد چنین بادا

* یاری که دلم خستی، در بر رخ ما بستی غمخواره یاران شد، تا باد چنین بادا

۳- در شعر زیر سجع ها را بیابید.

مردۀ بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم

دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم

گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این دست نه‌ای رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم

گفت تو که شمع شدی، قبله این جمع شدی جمع نیم، شمع نیم، دود پراکنده شدم

گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری شیخ نیم، پیش نیم، امر تو را بنده شدم

شکر کند چرخ فلک، از مَلک و مُلک و مَلک کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم

۴- در حکایت زیر سجع را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

پارسازاده‌ای را نعمت بی کران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد. باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

عقل و ادب، پیش گیر و لهو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی بری و و پشیمانی خوری.

پس، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد. دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند..... .

۵- در جملات زیر سجع‌ها را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.

* بسیار حقوق بندگی بر خواجه ثابت گردانیده بود و مقامات مشکور و خدمات مقبول و مبرور بر جراید روزگار ثبت کرده.

* ای غلام، اگر این بار دیگر سفر دریا برآوری و باز آیی، تو را از مال خویش آزاد کنم و سرمایه وافر دهم که کفاف آن را پیرایه عفاف خود سازی و همه عمر پشت پشت به دیوار فراغت باز دهی.

* چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر را از شهر سراب برفتم.

* بعضی از شهر ها خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود.

* همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.

* در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.

* زمستان به دارالملک بخارا مقام کردی و تابستان به سمرقند بخارا رفتی.

۶- در حکایت های زیر سجع ها را بیابید و ارزش موسیقایی آن هارا مشخص کنید.

* الهی ای کریمی که بخشنده عطایی؛ و ای حکیمی که پوشنده خطایی؛ و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی؛ و ای احدی که در ذات و صفات بی همتایی؛ و ای خالقی که راهنمایی؛ و ای قادری که خدایی را سزایی؛ بذات لایزال خود و بصفات با کمال خود و بعزت جلال خود و به عظمت جمال خود که جان ما را صفای خود ده؛ و دل ما را هوای خود ده؛ و چشم ما را ضیاء خود ده؛ و ما را آن دِه که آن به؛ و مگذار ما را به که و مه.

* بندگان من، مرا پرستید و مرا خوانید و مرا دانید که آفریدگار منم؛ کردگار نامدار، بنده نواز آمرزگار منم؛ مرا پرستید که جز من معبود نیست؛ مرا خوانید که جز من مُجیب نیست..... .

* بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان در رسیدند و از کسب و حرفت اعراض نمودند. و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر، موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا جویان، سه رتبت‌اند و بدان نرسند، مگر به چهار خصلت؛ اما آن سه که طالب آنند؛ فراخی معیشت است و رفعت منزلت و رسیدن به ثواب آخرت؛ و آن چهار که به وسیلت آن بدین اغراض توان رسید، الفَعْدَن مال است از وجه پسندیده.